

شنبه • ۶ تیر ۱۳۹۴ • سال دوازدهم • شماره ۲۳۳۴ • ۹

شرق

جهان

«سیحون» دست‌های بزرگ داشت ودهانی بسته صفحه ۱۰	
سوگ‌نامه‌ای برای موسیقی زنان؛ گفت‌وگو با علی صمدپور صفحه ۱۱	
نمی‌توانستم از سینما دور باشم؛ گفت‌وگو با زری خوشکام صفحه ۱۲	

نگاه

راه‌دشوار هیلاری

مژگان حقیقی؛ می‌گویند پیشروترین نامزد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، که از حزب «دموکرات» این کشور برخاسته است، نه فقط خودش پیشینه خوبی ندارد، بلکه همسرش، «بیل کلینتون» که زمانی کرسی ریاست کاخ سفید را برعهده داشته است، نیز اعتبار او را زیر سؤال برده است. برخی تحلیلگران می‌گویند به‌همین‌دلیل، هیلاری می‌خواهد از نام خانوادگی اش، «کلینتون»، فاصله بگیرد. «پیتر فن»، یکی از استراتژیست‌های دموکرات، آن‌قدرها هم مطمئن نیست احساسات رای‌دهندگان آمریکایی درحال‌حاضر –که زمان زیادی به انتخابات مانده است– کاملاً درست باشد. او می‌گوید: «برای مثال یکی از چیزهایی که ما درباره بیل کلینتون در دوران ریاست‌جمهوری‌اش و پس از آن دریافت‌ه‌ایم این است که برخی از این ویژگی‌ها مدت‌زمانی طول می‌کشید تا ملکه ذهن مردم شود. آنها واکنشی ابتدایی در قبال برخی موضوعات داشتند و سپس همه موارد در در کنار هم قرار می‌دادند و نتیجه‌گیری می‌کردند. آنها فکر می‌کنند این موضوع چقدر اهمیت دارد؟ موضوع ایمیل چه میزان بر تصمیم من درباره اینکه به چه کسی رای بدهم، تأثیر می‌گذارد؟ موضوع بنیاد خطور؟»

این‌د در حالی است که این‌موضوع درباره پیشینه نامزد جمهوری‌خواهان نیز مهم خواهد بود. «جب بوش»، نامزد پیشرو جمهوری‌خواهان، نیز زیر ذره‌بین قرار خواهد گرفت، حتی اگر «مارکو روبیو»، نامزد نهایی جمهوری‌خواهان باشد، کارهای شخصی او، ازجمله استفاده از کارت اعتباری دولتی در زمانی که نماینده «فلوریدا» در مجلس نمایندگان آمریکا بود، نیز مطرح خواهند شد.

کمپین «باراک اوباما» در سال ۲۰۰۸ نیز زمانی تحت تأثیر قرار گرفت که ویدئوهایی جنجالی درباره «جرمی رایت»، کشیش اوباما، منتشر شد؛ اما او درنهایت جان سالم به‌در برد، ولی در سپتامبر ۲۰۱۲، «میت رامنی»، نامزد جمهوری‌خواهان، به‌دنبال انتشار



ویدئوهایی که به‌صورت مخفیانه از او ضبط شده بود، آسیب دید؛ رامنی در یکی از این ویدئوها گفته بود ۴۷ درصد مردم بدون فکر به اوباما رای می‌دهند، زیرا به دولت وابسته هستند.

ایجاد رابطه مستقیم بین این ویدئو و شکست رامنی در انتخابات، کاری غیرممکن است؛ اما تردیدی نیست وجهه رامنی پس از انتشار این ویدئوها آسیب دید. نظرسنجی مؤسسه «گالوپ» در روز ۳۰ اوت ۲۰۱۲، نشان می‌دهد فقط ۳۱ درصد از رای‌دهندگان رامنی را فردی دوست‌داشتنی می‌دانند و فقط ۳۴ درصد بر این باور بودند که او به نیازهای مردمی که دوستش دارند، توجه می‌کند. همچنین فقط ۳۶ درصد، او را فردی صادق و قابل اطمینان می‌دانستند.

بومن می‌گوید: «زمانی که ما به رایزبانی نامزدها می‌پردازیم،

همواره از ارزش‌های‌مان شروع می‌کنیم». نظرسنجی آسوشیتدپرس در سال ۲۰۰۷، نشان داد از نظر رای‌دهندگان، شخصیت نامزدها مهم‌تر از سیاست‌های‌شان است.

حدود ۵۵ درصد از رای‌دهندگان ویژگی‌هایی ازجمله صداقت، قابل‌اعتمادبودن و تعامل را مهم‌ترین ویژگی‌های یک نامزد ریاست‌جمهوری می‌دانند و این در حالی است که ۳۳ درصد، مواضع سیاسی را مهم قلمداد می‌کنند.

«کن ملمسن»، رئیس ستاد انتخاباتی بوش در سال ۲۰۰۴، در آن زمان در گفت‌وگو با آسوشیتدپرس گفت: «رای‌دهندگان به سیاست‌ها در درجه‌ی شخصیت نامزدها می‌نگرند».

ستاد انتخاباتی کلینتون به‌دنبال استفاده از همین مسئله است. تاکنون کلینتون در سخنرانی‌هایش بر موضوعاتی با اهمیت خاص برای اقلیت‌ها، ازجمله رفتارهای افسران پلیس، مهاجرت و حق رای‌آدمن متمرکز شده است؛ زیرا او می‌کوشد پایگاه رای‌دهندگان اوباما را از آن خود کند. کلینتون همانند سال ۲۰۰۸، تأکید خاصی بر موضوعات مرتبط با زنان مثل دستمزدهای برابر دارد، چراکه زنان، به‌ویژه زنان مجرد، بخش مهم دیگری از پایگاه دموکرات‌ها را تشکیل می‌دهند.

کارلینن بومن»، کارشناس انتخابات در مؤسسه «امریکن اینترپرایز» در واشنگتن، می‌گوید: «نمی‌توان همواره از موضوعات طفره رفت، موضوع بنیاد خانواده کلینتون نیز مهم است». او همچنین ادامه می‌دهد: «اما تلاش برای بازنگه‌داشتن این پرونده‌ها در همین حال، فن می‌گوید: «هیلاری جدیدی ظهور نخواهد کرد. ببینید او فردی با درک بسیار پالاست و برای کارهایی که انجام می‌دهد، اهمیت قائل است. این تنها راه برقراری ارتباط نیست، نمی‌توانید با بیکارنشستن، چنین قابلیت‌هایی به دست آورید. این کارها مستلزم ایراد سخنرانی‌های مهم و تأثیرگذار است.»

منبع: بی‌بی‌سی

یادداشت

چینی‌های ناراضی

رها معتمدی؛ در میان کسانی که سالگرد حزب «کمونیست» چین را جشن می‌گیرند، ناراضیان داخلی جدی‌ای وجود دارد. اکنون بیشتر حامیان این حزب، از طبقه متوسط این کشور که پیش از تشکیل این حزب در اواخر دهه ۹۰ میلادی وجود نداشتند، هستند. در طول ۱۵ سال گذشته طبقه میانی چین، تنها به‌خاطر اقدامات انجام‌شده، از حزب کمونیست حمایت کردند. اما قوانین مالی وضع‌شده توسط این‌حزب، پیشرفت اقتصادی قابل ملاحظه‌ای داشته است، تاجایی‌که این کشور نقش مهمی در صحنه بین‌الملل کسب کرد و به نقطه‌ای رسید که هرگز به دوران سخت قرن بیستم بازنگردد. سیاست اقتصادی حزب کمونیست، شاید در ابتدا چندان مورد حمایت قرار نگرفت، اما این کشور را به نقطه‌ای رساند که از بحران اقتصادی‌ای که در سال ۲۰۰۷ بحران اقتصادی‌ای که در آمریکا آغاز شد، در امان ماند و توانست از تخریب‌های اقتصادی ناشی‌شده از آمریکا و کشورهای پیشرفته اروپایی نیز بگریزد. چین نه‌تنها کمبود اعتبار را تجربه نکرد، بلکه مجبور هم نشد با تضمین‌های مصنوعی که ترازنامه‌های مالی را به بانک‌های کشورهای توسعه‌یافته به‌هم ریخت، رقایت کند. با وجود بصران و سقوط‌های مالی، چین به جای آنکه روی صادرات متغیر و بی‌ثبات خود تکیه کند، تقاضای داخلی را مهم شمرد و از طریق بودجه حمایتی ۵۸۶ میلیارد دلاری، توانست در بهار سال ۲۰۰۹ نسبت به بحران مالی واکنش نشان دهد.

در چنین شرایطی بیکارچگی جهانی به چین این اجازه را می‌دهد تا به روند روبه رشد خود ادامه دهد و با انجام اصلاحات اقتصادی و استفاده از ضعف جهانی موجود به اقتصادی آزاد و بزرگ تبدیل شود. البته این امر از طریق محافظت در برابر شوک‌های خارجی در کنار بیکارچگی با بازارهای داخلی ممکن است. اگر چین هم مانند آمریکا، تقاضای داخلی و هم تقاضای خارجی خود را تقویت کند، کمتر مورد هدف تغییر و بی‌ثباتی در اقتصاد جهانی قرار می‌گیرد و رشد آن از طریق تقاضای داخلی هدایت می‌شود. در صورتی‌که تجارت این کشور همه‌جانبه گسترش یابد، چین به‌دلیل تأثیرگذاری بر مناسبات تجاری جهانی، می‌تواند می‌کند. درعین‌حال باید دارای زیربنایی محکم از تقاضای داخلی باشد تا و وسیله آن بتواند در مقابل شوک‌های خارجی ضعیف از خود محافظت کند. «بری ناتوم»، استاد اقتصاد دانشگاه کالیفرنیا در سانتاگو، می‌گوید، «اقتصاد چین دارای مجموعه عواملی است که سبب می‌شود، اقتصاد این سرزمین با سرعت بالایی رشد کند. ازجمله این عوامل می‌توان به نیروی کار ارزان، بازار مصرف بزرگ، سرمایه‌گذاری خارجی بالا، رقابت بین بخش‌های مختلف اقتصادی و صنعتی برای ارتقای بازده فعالیت خود و درنهایت ارزش پایین یوان واحد پول این سرزمین اشاره کرد که همگی باعث شده روند رشد اقتصادی این سرزمین تسریع شود و این روند طی ۳۰ سال اخیر ادامه داشته باشد و در سال‌های آتی نیز ادامه یابد».

منبع: اکونومیست



روشنفکران عرب دربرخ انقلاب و ضدانقلاب

مهم را در بین کار روشنفکری عرب روشن کرد؛ یکی ناپدیده‌گرفتن بُعد عربی

انقلاب و دیگری تعارض بین مقاومت و انقلاب به‌خصوص در مورد سوریه. بُعد عربی در نظر روشنفکران ما روشن نیست، حتی باید گفت بین ناسیونالیست‌های عرب نیز این جنبه از بقیه ناشناخته‌تر است، زیرا بسیاری از آنها وقتی انقلاب‌های اخیر، نظام‌های متکی بر مرجعیت ناسیونالیسم عربی ازجمله لیبی و سوریه را هدف قرار داد، دیگر برایشان انقلاب، تصویر خوشایندی نداشت، حتی در آن موقع این تمایل در آنها شدت گرفت که بگویند انقلاب توطئه‌ای صهیونیستی-آمریکایی برای تجزیه کشورهای عرب است. درحقیقت تفکرات ناسیونالیستی بیش از دیگر باورها آمادگی این را دارند که از تحولات، تفسیری توطئه‌اندیشانه داشته باشند. آنها در طول حیات خود ناکامی‌های زیادی را تجربه کرده و اساساً این‌گونه برداشت‌ها جزء خمیرمایه و بنیان‌های فکری‌شان شده است.

این درحالی بود که انقلاب به روش خود بُعد عربی خودش را بازتاب می‌داد و در مقابله با استبداد بین «ارتجاعی» و «پیشگام» بودن نظام‌ها فرقی نمی‌گذاشت. شاید داشتن یک موضع ریشه‌ای نسبت به استبداد بود که راه را برای تفاهم بین نخبگان لیبرال و چپ فراهم می‌کرد و آنها می‌رفتند که نخستین محصول انقلاب‌های شفاف و دموکراتیک و آزاد در تاریخ معاصر عرب را برداشت کنند. این امر در تونس و به‌خصوص در مصر و تا حدودی در لیبی و یمن، تجلی روشنی داشت، اما جنجال‌ها بعد از آن و زمانی شروع شد که از مبارزه برای تأسیس یک نظام جدید، به نبرد ایدئولوژی‌ها تبدیل شد.

بُعد عربی انقلاب در حقیقت همان آزادی و کرامت انسانی بود که در نقشه جغرافیایی همان انقلاب‌ها تجلی پیدا می‌کرد؛ جریان‌ی که صرفاً به مناطق عربی اختصاص داشت و با وجود اثرگذاری بر مناطق دیگر –که صدايش تا آن سوی اقیانوس اطلس نیز کشیده و شعارهایش در وال‌استریت نیز تکرار شد– به محل تولد خود وابسته بود. اما در کشورهای عربی نتوانست ساختار سیاسی و جامع خود را به همان شکلی که در دو همسایه ایران و ترکیه تحقق پیدا کرده بود، بنا کند. بنابراین منطقه به لحاظ سیاسی خالی باقی ماند و نتوانست در آن «دولت ملی» تشکیل شود؛ همین مسئله موضوعی شد برای دخالت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی.

ازبین‌بردن استبداد، مقدمه انتخابات آزاد و دموکراتیکی بود که برخی از کشورهای عرب ازجمله تونس، لیبی و مصر شاهد آن بودند؛ اما همین انتخابات و دستاوردهایش خود عاملی قوی شد تا دوباره با شدت هرچه‌تمام‌تر قطب‌بندی‌های ایدئولوژیک را از نو احیا کند. همین قطب‌بندی‌ها برای ناکام‌گذاشتن نخستین تلاش‌ها برای نهادهی‌کردن آزادی در جوامع استبدادزده کافی بود.

در برابر نیروهای انقلابی، یک مأموریت اساسی به‌چشم می‌خورد و آن

اینکه نظام قدیم را بر اساس قانون و عدالت در دوران انتقالی مورد بازنگری قرار دهند. اما بازگشت قطب‌بندی‌های ایدئولوژیک و تشدید نزاع‌های سیاسی، این اولویت را دچار خلل و نخستین تجربه‌های دموکراتیک را درگیر مشکلاتی پیچیده کرد که باعث غفلت از مطالبات اصلی انقلاب شد. این خلل آثاری وحشتناک از خود برجای گذاشت و موجب شد تا دوباره نظام‌های قدیم سربرآورد. یک روشنفکر عرب این مسئله را به‌خوبی درک می‌کند؛ اما تمایلات ایدئولوژیک بر همه چیز غلبه پیدا کرد. از این‌رو دوباره نبرد بر سر هویت‌ها با تمام جزئیاتش شروع شد و پیش و پس از انتخابات‌ها خود را نشان داد و دقیقاً به همین دلیل کسی از نتایج هیچ انتخاباتی جز تشدید این نزاع‌ها و قطب‌بندی‌های سیاسی، انتظار دیگری نداشت. این چیزی بود که برنده انتخابات را مغرور می‌کرد و به او لباس یک حاکم جدید می‌پوشاند، بدون اینکه هنوز ابزارهای حکومتی را در عمل در اختیار داشته باشد. از طرف دیگر، بازنده انتخابات را هم بر آن می‌داشت تا نقش ایوژنسیون را بازی کند؛ نقشی که حتی بسیاری از آنها در دوران مبارزه با استبداد از پذیرش آن اکراه داشتند.

مرحله نهادهی‌شدن آزادی، امری بود که باید همگان به آن توجه می‌کردند. در این مرحله، اقداماتی ضروری به نظر می‌رسید؛ ازجمله تدوین یک قانون اساسی جدید به عنوان مقدمه‌ای برای زیربنای استراتژیک و تشکیل دولت و ساختار جدید جامعه.

فقدان یک نگاه استراتژیک

اگرچه از دو انقلاب تونس و مصر به صورتی گسترده استقبال شد، اما اختلاف اصولی پیرامون آن دو از همان روزهای نخست آشکار و به‌سرعت بر آنها سرپوش گذاشته شد. شروع انقلاب در سوریه کافی بود تا همین اختلافات را به سطح کشیده و آن را بالاترین درجه اوج دهد. اختلافاتی که در ظاهر سیاسی، اما در حقیقت اصولی بودند و آزادی دلیل اصلی آنان بود. از این‌رو نمونه سوریه را باید یک نقطه عطف در مسیر انقلاب در کشورهای عربی دانست. از خلال این تجربه است که می‌توان دو سطح